Archive of SID

# «قاعده» یا «صلاحدید» در بانکداری مرکزی اسلامی (مورد مطالعه ایران)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱/۱۹

وحید مقدم* احسان علی‌اکبری**
ایمان باستانی‌فر*** محمد واعظ****

## چکیده

*«قاعده» در برابر «صلاحدید» موضوعی کلیدی در پژوهش‌های سیاست‌های پولی است. مطالعات بسیاری انجام شده که هر کدام مقام پولی را به استفاده از یکی یا ترکیبی از هر دو توصیه می‌کنند. بانکداری مرکزی اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و اینکه آیا یک بانک مرکزی اسلامی برای سیاستگذاری پولی تحت فروض ایدئال و شرایط واقعی باید از قاعده استفاده کند یا صلاحدید، نیازمند پژوهش است. بر پایه یک تعریف، صلاحدید دارای سه نوع کاملاً دلبخواهی، نزدیک‌بینانه و بهینه‌یابی مجدد بین زمانی است که اولی و دومی مطلوب نیستند؛ ولی سومی مزیت‌هایی دارد که آن را در برابر قاعده قابل بررسی می‌نماید.*

*مقاله پیش رو به روش توصیفی ـ تحلیلی نشان می‌دهد در چارچوب یک دولت اسلامی با فروض ایدئال، گرچه بهینه‌یابی مجدد دارای نقاط مثبت قاعده است و نقاط ضعف آن را ندارد، در نتیجه صلاحدید بر قاعده ترجیح دارد؛ ولی با توجه به ویژگی‌های نهادی بانک مرکزی ـ که مقام پولی نه مستقیماً توسط ولیّ فقیه انتخاب می‌شود و نه توسط وی نظارت می‌گردد ـ و با توجه به شواهد تجربی موجود ـ وجود ناسازگاری زمانی، ادوار تجاری سیاسی و سلطه مالی در اقتصاد ایران ـ از باب مصلحت نظام، الزام مقام پولی به استفاده از یک قاعده پولی مناسب و عدول از صلاحدید به اقتضای حکم ثانوی بهتر است.*

**واژگان کلیدی:** *بانکداری مرکزی اسلامی، بانکداری مرکزی ایران، قاعده در برابر صلاحدید، قاعده مصلحت.*

**طبقه‌بندی JEL:** E58.

*. استادیار دانشکده اهل‌البیت علیهم‌السلام دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). Email: v.moghadam@ahl.ui.ac.ir.
**. استادیار دانشکده اهل‌البیت علیهم‌السلام دانشگاه اصفهان. Email: 22aliakbari@gmail.com.
***. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان. Email: i.bastanifar@ase.ui.ac.ir.
****. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان. Email: mo.vaez130@yahoo.com.



www.SID.ir

Archive of SID

## مقدمه

یکی از مباحث مهم در بانکداری مرکزی که منجر به اصول متفاوت در زمینه نهادها و روش‌های سیاستگذاری پولی می‌شود، بحث «قاعده در برابر صلاحدید (مصلحت)»* (Rules versus Discretion Debate) است. اگر مقام پولی واکنش خود به شرایط و پدیده‌های اقتصادی آتی را از قبل تعیین و اعلام کند، در این صورت قاعده‌گراست (Rutherford, 2002, p.492)؛ در این حالت عوامل اقتصادی بر اساس آن قاعده، انتظارات خود را شکل داده و تصمیم‌گیری می‌کنند؛ ولی اگر مقام پولی در انتخاب سیاست در هر دوره مختار بوده و در زمان وقوع پدیده و بر حسب مصالح آن زمان سیاستگذاری کند، بدان سیاست صلاحدیدی گفته می‌شود؛ به بیان فنی‌تر، صلاحدید عبارت است از «سیاستگذاری در زمان t، جهت اجرا در همان دوره؛ ولی قاعده به معنای سیاستگذاری در زمان t، جهت اجرا در همان دوره و دوره‌های بعد است».





«قاعده در برابر صلاحدید» مناقشات زیادی را در بانکداری مرکزی و سیاست‌های پولی ایجاد کرده است؛ چراکه طرفداری از هر کدام منجر به طراحی نهاد متفاوتی از جمله در زمینه استقلال بانک مرکزی و سیاست‌های پولی آن خواهد شد. مکاتب گوناگون اقتصاد کلان مزایا و معایبی را برای هر کدام برشمرده و یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهند. علاوه بر استدلال‌های نظری، محیط ویژه هر اقتصاد که بستر اجرای سیاست‌های پولی و مالی است نیز در کارایی بیشتر یکی و لذا ترجیح آن تأثیر بسزایی دارد.

باتوجه به تحولات نظری و تجربی فراوان بانک مرکزی در دهه‌های اخیر و جایگاه مهم این نهاد در نظام بانکداری اسلامی، موضوعات جدیدی در بانکداری مرکزی اسلامی ـ از این پس به اختصار (ICB) (Islamic Central Banking) ـ مطرح شده که نیازمند ارزیابی فقهی ـ اقتصادی است تا تحولات بانکداری اسلامی هماهنگ با تحولات روز دنیا باشد. بحث قاعده در برابر صلاحدید نیز از این موضوع مستثنا نیست. پرسشی که در اینجا پیش می‌آید آن است که در ICB، ملاک سیاستگذاری پولی باید قاعده باشد یا صلاحدید؟ این

*. واژه Discretion به مصلحت هم ترجمه شده؛ ولی برای پرهیز از خلط آن با واژه مصلحت در قاعده فقهی مصلحت، تنها از معادل صلاحدید استفاده می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

پرسش در نظام جمهوری اسلامی که مبتنی بر نظریه مطلقه ولایت فقیه اداره می‌شود، پژوهش مستقلی را می‌طلبد؛ چراکه طبق عمومیت ادله حکومت اسلامی که همه شئون و امور حکومتی را در برمی‌گیرد (ملک‌افضلی اردکانی و سلیمانی، ۱۳۹٤، ص۳۱) و با توجه به آنکه بانک مرکزی یکی از نهادهای حاکمیتی کشور است، دایره حاکمیت ولیّ فقیه به این نهاد نیز تسری می‌یابد؛ ولیّ فقیه نیز ملزم به رعایت مصلحت عامه و حکومت اسلامی در اجرای احکام شرع است؛ البته برای تشخیص این مصلحت می‌تواند از مشورت متخصصان و صاحب‌نظران هر حوزه استفاده نماید.

با این وجود با توجه به گستره بسیار زیاد دوائر حکومت اسلامی و عدم امکان حضور و مباشرت شخص ولیّ فقیه و حاکم عادل در تمام امور حکومت اسلامی، به حکم عقل، سیره شارع، متشرعه ـ در اختیار و تفویض امور به کارگزاران دارای اهلیت لازم ـ و دیگر ادله نقلی، ایشان باید کارگزارانی را برگزیده و اختیاراتی را در حیطه نصب ایشان به آنها تفویض نماید و ازاین‌روست که کارگزاران شئون حاکم عادل جامع را در همان حیطه‌های مزبور خواهند داشت و می‌توانند بنا بر رأی و صلاحدید خود در حوزه عمل دست به اقدام بزنند. حال این پرسش پیش می‌آید که آیا ادله معتبر موجود در نظام فقهی ـ اقتصادی اسلام به نفع «قاعده» یعنی محدودکردن مقام پولی ـ به عنوان یکی از ارکان حکمرانی حکومت اسلامی ـ گرایش دارد یا آنکه به سیاستگذار برای اعمال صلاحدید در سیاست‌های پولی بسط ید کافی را اعطا می‌نماید؟ همچنین در وضعیت کنونی نظام جمهوری اسلامی مصلحت در استفاده از کدام‌یک است؟

متن پیش رو برای پاسخ به پرسش مذکور از روش توصیفی ـ تحلیلی بهره برده و در بخش‌های زیر سامان یافته است: ابتدا مبانی نظری قاعده و صلاحدید در ادبیات اقتصاد متعارف بیان شده و سپس قاعده مصلحت و گستره کاربرد آن در حکومت اسلامی بیان می‌شود؛ ویژگی‌های کارگزاران اقتصادی حکومت اسلامی موضوع بخش بعدی مقاله است. پس از آن وضعیت ایدئال بانک مرکزی اسلامی با وضعیت موجود کشور مقایسه می‌شود؛ آخرین بخش مقاله نیز به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.



www.SID.ir

Archive of SID

## مبانی نظری «قاعده» و «صلاحدید» در اقتصاد پولی متعارف

### ۱. انواع سیاستگذاری پولی

با بهره‌گیری از فصل دوازدهم کتاب **اقتصاد پولی** (Handa, 2009) نخست انواع سیاستگذاری پولی را در قالب یک برنامه بهینه‌یابی بین دوره‌ای دارای تابع هدف و محدودیت‌های مربوط به اقتصاد تعریف کرده و سپس آن را برای CBI به کار می‌بندیم.

تابع مطلوبیت بانک مرکزی با n متغیر را می‌توان به صورت زیر نمایش داد:

$$U(x_1, \dots, x_n) \qquad (۱)$$

بدون کاهش عمومیت تحلیل می‌توان فرض کرد که انتخاب بانک مرکزی تنها دارای یک محدویت به فرم زیر است:

$$f(x_1, \dots, x_n; z, \varphi) = 0 \qquad (۲)$$

که در آن:

$U(.)$ تابع ترجیحات بانک مرکزی که به ساختار سازمانی بانک مرکزی، تعاملات بین سیاستگذاران، درک آنها از اهداف جامعه، ساختار اقتصاد، فشار سیاسی و مانند آن بستگی دارد؛

$x_i$: برابر با i اُمین متغیر هدف که می‌تواند شامل مقدار مطلق یک متغیر، نرخ رشد آنها و حتی متغیرهایی نظیر شکاف ـ مقدار انحراف یک متغیر از مقدار مطلوب آن ـ تولید یا شکاف تورم باشد؛

z: بردار متغیرهای ابزاری در دسترس بانک مرکزی؛

$\varphi$: بردار متغیرهای برون‌زا.

معادله دو نشان‌دهنده درک بانک مرکزی از محدودیت‌هایی است که با آن روبه‌روست ـ شامل ساختار اقتصاد و محیط سیاسی و اجتماعی که در آن سیاستگذاری می‌کند ـ و با توجه به ناقص‌بودن دانش سیاستگذاران از اقتصاد ممکن است محدودیت‌های واقعی اقتصاد نباشد.

بانک مرکزی با توجه به قید (۲)، تابع مطلوبیت بین زمانی معادله (۱) به شکل معادله (۳) را حداکثر می‌کند تا انتخاب بهینه خود را از میان اهداف صورت دهد:



www.SID.ir

Archive of SID

$$U = \max \sum_{t=1}^{T} \beta^t \, U(x_1, \dots, x_n) \qquad (۳)$$

که در آن β نرخ ترجیح زمانی ($\beta \leq 1$) و T افق برنامه‌ریزی است.

البته باید همواره ملاحظات مربوط به تصمیم‌گیری گروهی در بانک مرکزی، تغییر سیاستگذاران و تغییر تابع هدف ـ یا ترجیحات ـ آنها در طول زمان را در نظر داشت.

این الگوسازی از برنامه‌ریزی بانک مرکزی، بصیرت‌های قابل توجهی در مورد مسئله انتخاب بین اهداف بدیل فراهم می‌کند. مطالعات تجربی و توصیفی با استفاده از داده‌های تا دهه ۱۹۸۰، اعتبار قابل توجهی برای این تحلیل فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که بانک‌های مرکزی بیشتر ابزارهای سیاستی خود از قبیل پایه پولی و نرخ بهره را به صورتی نظام‌مند دست‌کاری می‌کنند تا بتوانند به مقادیر اهداف انتخابی خود برسند (Handa, 2009, p.367).

با توجه به این الگوی بهینه‌یابی، می‌توان چهار نوع سیاستگذاری پولی را تشخیص داد:

۱. **سیاست‌های کاملاً دلبخواهی** (Pure Arbitrary): در این نوع، سیاستگذار دارای ترجیح خاص یا تابع هدف آشکاری نیست که دلیل آن می‌تواند بروز شرایط غیر مترقبه و خارج از کنترل مقام پولی در اقتصاد از جمله بروز جنگ، تحریم اقتصادی و سلطه مالی (Fiscal Dominance) باشد. سلطه مالی در هنگام متأثربودن سیاست‌های پولی از سیاست مالی رخ می‌دهد؛ برای مثال دولت برای تأمین کسری بودجه خود به استفاده از سیاست انبساطی پولی روی می‌آورد تا از حق‌الضرب (Seigniorage) ناشی از آن به عنوان منبع اصلی درآمد خود استفاده کند.

نمونه دیگر را می‌توان سیاست‌های صلاحدیدی پولی کینزی دانست که از نظر *فریدمن* (۱۹۸۲) در کوتاه‌مدت اثرات نامشخص و غیر قابل پیش‌بینی بر بخش حقیقی اقتصاد دارند و مهم‌ترین دستاورد این نوع سیاست‌ها، تورم پیش‌بینی نشده است.

۲. **سیاست‌های نزدیک‌بینانه (تک‌دوره‌ای)** (Myopic (one period) Policies): این سیاست‌ها از بهینه‌یابی نزدیک‌بینانه (کوتاه‌مدت و معمولاً یک‌دوره‌ای یعنی T=1) همراه با اهداف کوتاه‌مدت به دست می‌آیند. قیود نیز صرفاً مربوط به دوره جاری بوده و انتظارات برون‌زا هستند. به علاوه سیاستگذار از قبل هیچ تعهدی در مورد سیاست‌های آینده خود و حتی حفظ تابع هدف خود ندارد.



www.SID.ir

Archive of SID

مهم‌ترین نمونه این نوع در حالت ادوار تجاری سیاسی رخ می‌دهد که مقام پولی منصوب رئیس دولت وقت با سوء استفاده از قدرت خود به دنبال تأثیر بر نتیجه انتخابات بر می‌آید و برای این کار در قالب منحنی فیلیپس کوتاه‌مدت با استفاده از سیاست‌های پولی انبساطی قبل از انتخابات تلاش می‌کند تولید و اشتغال را رونق بخشیده و رأی رئیس خود را حداکثر کند (منکیو، ۱۳۹۳، ص۳۵۷). این رونق کوتاه‌مدت بوده و در بلندمدت که قیمت‌ها انعطاف‌پذیر هستند، کاهش تولید و افزایش تورم را به بار خواهد آورد. *نردهاوس* (Nordhaus, 1975) و *هیبز* (Hibbs, 1977) از بنیان‌گذاران مطالعات مربوط به پدیده ادوار سیاسی پولی (Political Monetary Cycle) هستند.

**۳. سیاست‌های بهینه‌یابی مجدد (بین زمانی)** (Intertemporal) Reoptimization Policies): سیاستگذار برای به‌دست‌آوردن سیاست بهینه در هر دوره، تابع هدف بین زمانی را با توجه به محدودیت‌های بلندمدت یا چنددوره‌ای حداکثر می‌کند. با وجود آنکه سیاست‌های بهینه برای تمام دوره‌ها معلوم می‌شوند، ولی سیاست بهینه فقط برای دوره بهینه‌یابی دنبال می‌شود. در دوره بعد، سیاستگذار دوباره فرایند بهینه‌یابی را تکرار می‌کند. طبق الگوی مذکور، T برابر با عددی است که عبارت برنامه‌ریزی بلندمدت برای آن صدق کند؛ با شروع هر دوره جدید، t برابر با یک گذاشته شده و مجدداً بهینه‌یابی صورت می‌پذیرد.

تابع هدف بین زمانی بدون تغییر است؛ چراکه سیاستگذار به حفظ آن در طول زمان تعهد می‌دهد؛ ولی محدودیت‌های مربوطه می‌توانند با گذشت زمان تغییر کنند.

**٤. قاعده‌گذاری سیاستی** (Rule-based Policy Making): این سیاست‌ها از یک‌بار بهینه‌یابی تابع هدف بین زمانی برای همه دوره‌ها با توجه به محدودیت‌های چنددوره‌ای یا بلندمدت که توسط ساختار اقتصاد مشخص می‌شود، حاصل می‌گردد. مسیر سیاستی به‌دست‌آمده برای همه دوره‌ها از جمله دوره بهینه‌یابی، دنبال می‌شود؛ بنابراین فعالیت بهینه‌یابی تنها در دوره اولیه انجام می‌شود. به روشنی یک تعهد ضمنی یا صریح به مسیر سیاستی استخراج‌شده در دوره ابتدایی وجود دارد. در مقایسه با روش بهینه‌یابی مجدد که نیازمند بهینه‌یابی مجدد در هر دوره است، قاعده سیاستی تنها از یک‌بار بهینه‌یابی استخراج می‌شود؛ البته این به معنای یکسان‌بودن سیاست‌ها در همه دوره‌ها نیست؛ چراکه محدودیت



www.SID.ir

Archive of SID

مربوط به هر دوره می‌تواند متفاوت باشد. مهم‌ترین ویژگی این نوع سیاستگذاری، پرهیز از ناسازگاری زمانی است که به معنای بهینه‌بودن سیاستی در زمان t ولی تشخیص غیر بهینه‌بودن آن در زمان t+n به وسیله بهینه‌یابی مجدد است.

## ۲. ارزیابی و مقایسه سیاست‌ها

سیاست‌های از نوع یک تا سه سیاست‌های صلاحدیدی هستند؛ زیرا سیاستگذار از قبل متعهد به دنبال‌کردن یک سیاست از پیش اعلام‌شده برای دوره‌های آتی نمی‌باشد. هرچه از سیاست نوع یک به سمت چهار حرکت کنیم، درجه صلاحدیدی سیاست‌ها کمتر می‌شود و بنابراین «سیاست‌های بهینه‌یابی مجدد» به معنای محدودی صلاحدیدی است؛ چراکه سیاستگذار، سیاست تعقیبی خود از یک دوره به دوره آینده را تنها در صورتی تغییر می‌دهد که بهینه‌یابی مجدد بین زمانی ـ همراه با یک تابع هدف بدون تغییر ـ بر چنین تغییری دلالت داشته باشد.

همان‌گونه‌که گفته شد، سیاست نوع اول مطلوب نیست؛ زیرا در بلندمدت تورم به بار می‌آورد که از سیاست‌های پولی کینزی یا سلطه مالی سرچشمه می‌گیرد. سیاست نوع دوم نیز با خود تورم به همراه می‌آورد که ریشه آن سیاست‌های انبساطی است و با هدف جمع‌آوری رأی برای رئیس جمهور وقت به اجرا گذاشته شده است. مطالعات نظری و تجربی متعدد دهه‌های گذشته بر این یافته‌ها دلالت دارند و بدین دلیل اقتصاددانان تقریباً در مورد نتایج ضعیف درازمدت این سیاست‌ها که عمدتاً دارای قالب اریب تورمی است، اتفاق نظر دارند؛ بنابراین در اینجا توجه خود را به سیاست‌های نوع سوم و چهارم معطوف می‌کنیم.

مقایسه این دو سیاست به سادگی دو سیاست نخست نیست؛ چراکه هر کدام دارای نقاط قوت و ضعفی هستند و بدین دلیل نظرات مختلفی له و علیه آنها ابراز شده است. این نظرات را در قالب الگوی بهینه‌یابی بین زمانی پیش‌گفته از طریق مقایسه عناصر مختلف این تابع بیان می‌کنیم. برای تلخیص، روش سوم را IR (مسیر سیاستی بهینه‌یابی مجدد بین زمانی) و روش چهارم را RM (مسیر سیاستی مبتنی بر قاعده‌گذاری) می‌نامیم.



www.SID.ir

Archive of SID

الف) تابع هدف بین زمانی یا تابع ترجیحات بانک مرکزی ($U(.)$): همان‌گونه‌که گفته شد، این تابع به ساختار سازمانی بانک مرکزی، تعاملات بین سیاستگذاران، درک آنها از اهداف جامعه، ساختار اقتصاد، فشار سیاسی و مانند آن بستگی دارد. روشن است که با گذشت زمان، امکان ثابت‌ماندن آن کمتر خواهد شد؛ چراکه همه عوامل پیش‌گفته در معرض تغییر قرار دارند. برای پرهیز از ناسازگاری زمانی ضرورت دارد در روش IR تابع هدف دارای ثبات بوده و در طول دوره‌های بهینه‌یابی تغییر نکند.

ب) متغیرهای سیاستی و ابزاری بانک مرکزی ـ مانند حجم پول، نرخ ارز و نرخ بهره ـ در هر دو روش وضعیت مشابهی دارد و می‌تواند در طول زمان امکانات در اختیار مقام پولی را افزایش یا کاهش دهد؛ اگرچه در عمل تغییرپذیری آن طی زمان اندکی است.

ج) تعمیق دانش اقتصادی: با گذشت زمان، دانش اقتصادی پیشرفت کرده و فهم اقتصاددانان از اقتصاد بهبود می‌یابد؛ در این صورت روش IR به علت بهینه‌یابی در هر دوره بر خلاف روش RM امکان استفاده از دانش جدید را خواهد داشت.

د) شوک‌های پیش‌بینی‌نشده: ناشی از تغییرات پیش‌بینی‌نشده در خود اقتصاد یا در اقتصادهای خارجی مؤثر بر آن.

ه) تغییر در اطلاعات از وضعیت آینده اقتصاد: دانش فعلی از وضعیت آینده اقتصاد تقریباً همیشه ناکافی است و اطلاعات جدید در هر دوره از راه می‌رسند؛ بنابراین پردازش اطلاعات جدید در روش IR به فرض ثبوت سایر شرایط می‌تواند رفاه بیشتری نسبت به ادامه با مسیر سیاستی RM که چند دوره پیش‌تر استخراج شده‌اند، به دست دهد. با توجه به ممکن‌نبودن پیش‌بینی دقیق احتمال پیامدهای آینده اقتصادی، IR روش برتر خواهد بود؛ چراکه دارای فضایی انعطاف‌پذیر بوده و امکان قضاوت در مورد سیاست‌ها را فراهم می‌کند؛ درحالی‌که همان تابع هدف را در طول زمان حفظ می‌کند.

و) تعهد ضمنی یا صریح به دنبال‌کردن مسیر سیاستی استخراج‌شده: ازآنجاکه در روش IR، بهینه‌یابی به صورت مکرر صورت می‌گیرد و تنها در همان دوره هم اجرایی می‌شود، تعهد کمتری از سوی سیاستگذار نسبت به روش RM که باید در دوره‌های متوالی اجرایی شود، لازم دارد.



www.SID.ir

Archive of SID

ز) وضعیت ناسازگاری زمانی در روش RM: با توجه به عدم اعلام سیاست‌های مشخص برای دوره‌های آینده در روش RM، آیا این روش همواره دچار ناسازگاری نیست؟ تحت شرایطی خیر؛ اگر بانک مرکزی متعهد به ثبات تابع مطلوبیت بین زمانی و بهینه‌یابی مجدد بین زمانی در هر دوره باشد؛ ولی نرخ بهره و عرضه پول که با مهندسی در هر دوره به دست می‌آید را اعلام نکند، این کار خود نوعی سازگاری به وجود می‌آورد. در شرایط عادی متغیرهای سیاستی دوره‌های متوالی تغییر چندانی نخواهند کرد؛ ولی در شرایط عدم اطمینان، روش RM به احتمال زیاد برای دوره‌های آتی به تجویز سیاست‌های پیچیده‌ای می‌پردازد که به نتایج دوره قبل از آن بستگی دارد. این سیاست‌ها اگرچه سازگارند؛ ولی برای عوامل عادی اقتصادی چندان قابل استفاده نیستند؛ بنابراین چندان مزیتی برای RM به شمار نمی‌روند (Handa, 2009, p.378).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت برتری یکی از این سیاست‌ها بر دیگری قاطع نبوده و بستگی به دو شرط عمده دارد: یکی وضعیت محیطی سیاستگذاری به لحاظ سیاسی و عدم اطمینان و دیگری وضعیت خود سیاستگذاران؛ از این دو نتیجه در تحلیل بخش وضعیت ایدئال و وضعیت فعلی کشور استفاده خواهیم کرد.

## ۳. دیدگاه‌های موافقان قاعده‌گرایی

موافقان قاعده در دو قالب به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند؛ از یک‌سو آنها به مشکلات سیاست صلاحدیدی شامل سلطه مالی، ادوار تجاری سیاسی و ناسازگاری زمانی که قبلاً توضیح داده شدند، پرداخته و از سوی دیگر مزیت‌های قاعده‌گذاری در سیاست پولی را بیان می‌کنند که در زیر برخی از آنها بیان می‌شوند:

- **کمک به تصمیم‌گیری‌های جمعی**: به اعتقاد *سیمون* (۱۹۳۶) برای دستیابی به اهداف اقتصاد کلان نمی‌توان به مقام پولی اختیار کامل در سیاستگذاری‌های پولی داد؛ بلکه باید مقام پولی بر اساس قواعد منتج از اجماع نهادهای تصمیم‌ساز اقتصادی، سیاستگذاری کند (به نقل از باستانی‌فر، ۱۳۹۱، ص۲).
- **مدیریت انتظارات**: از نظر *کیدلند* و *پرسکات* (۱۹۷۷) زمانی که متغیرهای اقتصادی به انتظار افراد از سیاست‌های آتی وابستگی داشته باشد، عدم تعهد مقام پولی به



www.SID.ir

Archive of SID

یک قاعده و استفاده از سیاست‌های صلاحدیدی موجب می‌شود انتظار خانوارها از سیاست‌های آتی دولت، فاقد یک نظم و الگوی منطقی شود؛ بنابراین امکان تصمیم‌گیری برای خانوارها در هر لحظه از زمان فراهم نشده و عدم تعادل در اقتصاد رخ می‌دهد.

- **حذف ناسازگاری زمانی**: ازآنجاکه افراد و بنگاه‌های اقتصادی بر اساس اطلاعات آتی دولت‌ها و مقام پولی به تصمیم‌گیری در زمان فعلی اقدام می‌کنند، نامشخص‌بودن سیاست‌های آتی مقام پولی یا عدم اطمینان در مورد ثبات آنها تصمیم‌گیری بنگاه‌های اقتصادی را با نااطمینانی روبه‌رو کرده که عامل اصلی در کاهش تقاضای مؤثر سرمایه‌گذاری و بروز رکود یا رکود تورمی در اقتصاد است.
- **قواعد به عنوان معیار پاسخگویی**: در صورت الزام بانک مرکزی به تعهد به یک قاعده سیاستی می‌توان از آن به عنوان معیاری برای ارزیابی عمل‌کرد استفاده کرد و در صورت وجود انحراف از قواعد، آنها را وادار به پاسخگویی کرد (Taylor, Williams & 2010, p.832).

## ٤. استدلال‌های مخالفان قاعده

استدلال‌های متنوعی برای مخالفت با الزام مقام پولی به یک قاعده پولی محض وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- **کاهش انعطاف‌پذیری**: اقتصاد همواره با شرایط عدم اطمینان روبه‌روست و حوادث مختلفی همچون رکود اقتصادی رخ می‌دهند که بعضاً قابل پیش‌بینی نیستند؛ در این حالت وجود یک قاعده از پیش تعیین‌شده، دست سیاستگذاران را برای پاسخ مناسب به آن شرایط می‌بندد و موجب بروز زیان‌های بزرگی می‌شود.
- **کثرت قواعد مختلف**: قواعد مختلفی وجود دارند که انتخاب مناسب‌ترین آنها مورد بحث است؛ از جمله قاعده رشد k درصدی حجم پول *فریدمن*، قاعده نرخ بهره *تیلور*، قاعده بازخورد *مک‌کالوم* (McCallum's Feedback Rule) و هدف‌گذاری تورم. انتخاب یک قاعده از میان این قواعد نیازمند مصلحت‌سنجی و برآورد هزینه و منافع هر کدام است و لذا نمی‌توان صلاحدید را به‌طورکلی کنار گذاشت.



www.SID.ir

Archive of SID

- **عدم آگاهی به مدل واقعی اقتصاد**: با وجود اختلاف نظرهای اساسی که در زمینه نحوه کارکرد اقتصاد وجود دارد و بر همین اساس، مکاتب گوناگونی پا به عرصه گذاشته‌اند، هیچ قاعده‌ای نمی‌تواند ادعا کند که بر اساس نیاز واقعی اقتصاد بنا شده است.
- در مورد وجود ادوار تجاری سیاسی نیز باید گفت که نتایج تجربی متفاوت هستند به این معنا که همه وجود این ادوار را تأیید نمی‌کنند (Drazen, 2001, p.76).

## ۵. پیشینه تحقیق

در زمینه قاعده مناسب سیاستگذاری پولی در اقتصاد ایران مطالعات زیادی شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

*بهمن و تقی‌نژاد عمران* (۱۳۹۱) در پژوهش «قاعده گسترش‌یافته تیلور: مطالعه موردی ایران ۱۳۵۷-۱۳۸٦» به دنبال بررسی سازگاری تابع واکنش بانک مرکزی با قاعده *تیلور* به کمک دو روش گشتاورهای تعمیم‌یافته GMM و بردار همجمعی یوهانسن ـ جوسیلیوس بر می‌آیند؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد واکنش مقامات پولی نسبت به انحراف تولید با قاعده گسترش‌یافته *تیلور* سازگار است؛ ولی نسبت به انحراف تورم سازگار نیست.

*بوستانی* (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «سیاستگذاری پولی بهینه در اقتصاد ایران» برای ارزیابی سیاست‌های پولی مختلف در ایران از الگوی یک اقتصاد باز و کوچک با چسبندگی قیمت‌های داخلی استفاده می‌کند. شبیه‌سازی این الگو نشان می‌دهد که در اقتصاد ایران، اعمال سیاست هدف‌گذاری تورم داخلی، رابطه تورم و بیکاری را بی‌اثر کرده و دارای بهترین عمل‌کرد در بین قواعد پولی است؛ درحالی‌که سیاست نرخ ارز ثابت، بدترین عمل‌کرد را به بار می‌آورد.

*کمیجانی* و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «قاعده سیاست پولی مطلوب در محیط بانکداری بدون ربا» با توجه به غیر ربوی‌بودن نظام بانکداری ایران دو قاعده سیاست پولیِ *تیلور* و *مک‌کالم* را بررسی کرده و نشان می‌دهند که این دو قاعده سیاست پولی از آن جهت که بر نرخ حجم پول و نرخ پایه پولی متمرکز هستند نه بر نرخ بهره، می‌توانند با تعدیلاتی در بانکداری بدون ربا به کار روند.



www.SID.ir

Archive of SID

*شاهمرادی* و *صارم* (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان «سیاست پولی بهینه و هدف‌گذاری تورم در ایران» با این فرض که بانک مرکزی همزمان نرخ تورم و شکاف تولید را هدف گرفته به استخراج قاعده بهینه سیاست پولی برای اقتصاد ایران می‌پردازند که تابعی از شکاف تورم، شکاف تولید و نرخ رشد درآمدهای نفتی است.

*سلیمانی موحد* و دیگران (۱۳۹٤) در پژوهش «سیاست پولی بهینه در یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی با رویکرد اسلامی» با جایگزین‌کردن عقد مشارکت ـ به عنوان یک ابزار سیاستی اسلامی ـ به جای نرخ بهره در قاعده *تیلور* و مدل‌سازی این قاعده نشان می‌دهند این ابزار، شکاف تورم و تولید و واریانس آنها را کاهش می‌دهد و مقام پولی باید نسبت به نوسانات تولید و تورم به یک میزان واکنش نشان دهد.

*عرفانی* و *شمسیان* (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با نام «کاربرد قاعده تیلور در اقتصاد ایران و تأثیرپذیری سیاست‌ها از بازار مسکن، املاک و مستغلات» با استفاده از داده‌های فصلی ۱۳۷۱:۱–۱۳۹۱:٤ و با برآورد مدلی توسعه‌یافته از قاعده *تیلور* که متغیر بخش املاک و مستغلات را نیز شامل می‌شود، نشان می‌دهند بانک مرکزی هدف ثبات در رشد تولید را بر دیگر اهداف خود مانند ثبات قیمت‌ها ترجیح می‌دهد.

همان‌گونه‌که مشاهده می‌شود عمده مطالعات در حوزه سیاست پولی قاعده‌مند، مطلوب‌بودن این نوع سیاستگذاری را مفروض گرفته‌اند. تنها مطالعه‌ای که به بحث انتخاب بین قاعده و صلاحدید می‌پردازد، *خورسندی* و *اسلاملوییان* (۱۳۹۱) است که در مطالعه‌ای با عنوان «سیاست پولی قاعده‌مند یا صلاحدیدی؟ تحلیلی نظری در انتخاب راهبرد مناسب» با بررسی عقاید اقتصاددانان مختلف بحث قاعده در مقابل صلاحدید را برای سیاست پولی به صورت نظری بررسی کرده و سرانجام با توجه به نقاط مثبت و منفی هر کدام، راهبرد قاعده همراه با صلاحدید را به عنوان راهبرد مناسب معرفی کرده و قاعده *تیلور* را مثال مناسبی از آن می‌دانند.

در زمینه انتخاب بین قاعده یا صلاحدید در ICB مطالعه‌ای مشاهده نشد.



www.SID.ir

Archive of SID

## مصلحت و گستره کاربرد آن در حکومت

حکومت اسلامی از طریق احکام شرعی به سامان‌بخشی زندگی مردم می‌پردازد. این احکام طبق بیان شهید *صدر*ﷺ یا به فعل مکلّف تعلق می‌گیرد یا به خود او یا به چیزهای دیگر در رابطه با او (صدر، ۱٤۱۲ق، ج۲، ص۱۱۲)؛ بنابراین قائمه حکومت اسلامی «احکام» است.

تقسیمات زیادی برای احکام در فقه شده است که یکی از آنها تقسیم آن به حکومتی (حکم حاکم) و غیر حکومتی (حکم شرع) است؛ به بیان دیگر گاه سرچشمه صدور حکم، شارع است و این حکم همان است که به اولی و ثانوی، وضعی و تکلیفی، مولوی و ارشادی و ... تقسیم می‌شود و گاه سرچشمه صدور حکم، حاکم شرع است که حکم او به قضایی و حکومتی تقسیم می‌شود؛ حکم شرع اولی است یا ثانوی: حکم اولی حکمی است که موضوع آن به خودی خود دارای حکم شرعی دائمی است که در صورت عدم تغییر موضوع، حکم آن همچنان ثابت است. متعلّق این‌گونه احکام، مصالح و مفاسد هستند. حکم اولی بدون توجه به حالات استثنایی که برای مکلّف عارض می‌شود مانند اضطرار، عجز، عسر و حرج و ... صادر شده است (علوی و ایرانپور انارکی، ۱۳۹۱، ص۱۱)؛ ولی درصورتی‌که این شرایط استثنایی برای مکلّف رخ دهد، حکم ثانوی به عنوان یک حکم شرعی جدید جایگزین حکم اولی موضوع می‌شود؛ مانند وجوب خوردن گوشت مردار در حالت اضطرار؛ بنابراین حکم ثانوی بر موضوع بماهو موضوع ثابت نمی‌گردد، بلکه موضوع آن به تحقق یکی از عناوین احکام ثانویه مانند ضرورت و اضطرار، ضرر، عسر و حرج و ... مقید است.

فقیهی که به دنبال استخراج احکام شرع از منابع آنهاست تا مقلدانش بدان عمل کنند، در مقام فتوادادن قرار دارد؛ ولی گاهی اوقات فقیه نه در مقام فتوا بلکه در مقام انشاء حکم قرار دارد. در این حالت فقیه حاکم شرع است و انشاء و اعتبار وی بر دو قسم است: حکم قضایی و حکم حکومتی. فقیه گاه برای رفع تخاصم و اقامه حدود الهی به قضاوت میان مردم می‌پردازد و در مقام قضاء قرار دارد. تعاریف مختلفی برای حکم قضایی شده است که در اینجا به ذکر تعریف *میرزا حبیب رشتی* بسنده می‌شود: «حکم قضایی عبارت است از زدودن خصومت و برطرف‌کردن نزاع با ملزم‌ساختن یکی از دو طرف دعوا ...» (رشتی،



www.SID.ir

Archive of SID

۱٤۰۱ق، ج۱، ص۱۰۷). مبنای حکم قضایی علاوه بر رفع خصومت، انشاء و اعلان حکم نیز هست که این ویژگی در حکم حکومتی نیز موجود است.

گاه نیز فقیه جامع‌الشرایط چون بر پایه ادله ولایت فقیه دارای منصب رهبری است، اداره جامعه را نیز بر عهده دارد و برای اداره جامعه مسلمانان و تنظیم روابط میان حکومت و آنها با واسطه یا بدون واسطه مقرراتی جعل می‌کند که تابع شرایط زمان و مکان است (بهزاد وکیل‌آباد، ۱۳۸۸، ص۵۱) و احکام حکومتی نام دارد. به نظر می‌رسد بهترین تعریف برای حکم حکومتی عبارت است از: «تصمیم‌هایی که ولیّ فقیه درباره ابعاد مختلف اداره امور جامعه اسلامی برای استقرار عدالت اجتماعی و اجرای قوانین الهی با ملاحظه مصلحت جامعه اسلامی می‌گیرد و زمینه اجرای آنها را فراهم می‌سازد؛ این تصمیم‌ها به لحاظ زمان و مکان، تابع مصلحت و تحقق عدالت است»؛ آنچه در این تعریف برجستگی ویژه‌ای دارد و برای ما در این پژوهش مهم است، «مصلحت» می‌باشد؛ این عنصر به اندازه‌ای اهمیت دارد که آن را مهم‌ترین عنصر و مبنای حکم حکومتی می‌دانند (صرامی، ۱۳۷۳، ص۶۳-۹۲). با این وجود فقیهان بابی مستقل را بدین موضوع اختصاص نداده‌اند؛ بلکه در ضمن سخنان خود از آن سخن گفته‌اند (حسینی، ۱۳۸۱، ص۱۰۷/ تولائی و همکاران، ۱۳۹۳، ص۵۷).

مصلحت در تعریف حکم حکومتی بیشتر به معنای منفعت عموم و مصالح نظام است و متفاوت از مصلحت به عنوان مناط جعل احکام شارع است. برای تمایز میان این دو مصلحت، اولی را مصلحت حکومتی و دومی را مصلحت واقعی گویند. به باور فقیهان و متکلمان شیعه همه احکام شرعی بر محور مصالح و مفاسد واقعیه هستند؛ یعنی امری که بود و نبود حکم شرعی بدان بستگی دارد. فقیهان از این مصالح و مفاسد با عبارات مختلفی همچون مناطات احکام، ملاکات، علل و مقتضیات یاد کرده‌اند (ساعدی، ۱۳۸۱، ص۱۰۹)؛ بنابراین احکام اولیه همگی بر پایه مصالح واقعی هستند؛ ولی مصلحت حکومت و جامعه در جایی است که احکام اولیه و ثانویه در مقام اجرا نتوانند مصالح عالیه نظام همچون عدالت اجتماعی، وحدت امت اسلامی، حفظ کیان کشور و ... را تأمین کنند (شریعتی، ۱۳۸۷، ص۱۹۱). البته باید به دو نکته توجه داشت: اولاً، تشخیص مصالح مسلمانان به‌راحتی امکان‌پذیر نیست و نیازمند افراد اسلام‌شناس و زمان‌شناس است؛ ثانیاً، همچنان‌که



www.SID.ir

Archive of SID

گفته شد، حکم حکومتی نیازمند انشاء و اعلان است. از کنار هم گذاشتن این دو دلیل آشکار می‌شود که الزاماً حاکم باید فقیه باشد و از مشاوره کارشناسان در هر حوزه از اداره اجتماع بهره ببرد.

این نکته شایان یادآوری است که حکم حکومتی نمی‌تواند منجر به تعطیلی احکام اسلامی به بهانه مصلحت شود؛ بلکه باید مصلحت بالاتری از مصلحت موجود در احکام اولیه در آنها موجود بوده و این مصلحت قابل دفاع باشد؛ بدین دلیل است که از نظر علامه *طباطبایی* (طباطبایی، [بی‌تا]، ص۱۱۲) ولیّ امر نمی‌تواند به صورت دلخواه به صدور احکام حکومتی اقدام کند؛ بلکه باید هماره با رعایت تقوا به مصلحت اسلام و مسلمانان در زمان خود و نیز احکام شرعی دقت کند و با توجه به این دو معیار، احکام حکومتی صادر کند. در سخنان علامه، گاه مصلحت اسلام و مسلمانان و گاه «مصلحت وقت» به کار رفته که تعبیر دوم بسی ظریف است؛ زیرا مصلحت در طول زمان با دگرگون‌شدن اوضاع و احوال تغییر می‌کند و قید «وقت» به ظاهر برای اشاره به تغییر مصلحت‌ها در زمان‌های مختلف است؛ این شاید از جهتی از واژه «مصلحت جامعه» لطیف‌تر باشد؛ زیرا مصلحت یک جامعه نیز ممکن است در طول زمان و گاه به سرعت تغییر یابد و به محض دگرگونی آن، این حکم دیگر اعتباری ندارد.

نکته بسیار مهم که در مباحث آتی از آن استفاده می‌شود آن است که حکومت حاکم شرع و گسترده‌بودن دایره اختیار وی برای تصرف در شئون حکومتی و مصالح، جزء احکام اولی است؛ ولی ممکن است وی برای برآوردن این غایت نیازمند انشاء احکام حکومتی باشد.

## ویژگی‌های کارگزاران اقتصادی حکومت اسلامی

حضرت *علی*ﷺ جایگاه نظام و حکومت برای جامعه را همانند رشته تسبیح برای دانه‌های آن می‌داند که بدون آن بهره‌گیری از دانه‌ها ممکن نیست (امام علی‌بن‌ابی طالب، ۱۳۹۰، خ۱٤٦). این اهمیت در نظام اسلامی دوچندان است؛ چراکه نظام اسلامی نظامی ولایی بر پایه اطاعت از رسول خداﷺ و اولی‌الامر است (نساء: ۵۹)؛ از همین‌رو در آموزه‌های دینی مطالب فراوانی درباره اهمیت نظام اسلامی و ارکان آن از جمله امام مسلمانان و علل



www.SID.ir

Archive of SID

بقا و زوال آن آمده است. یکی از ارکان مهم این نظام، کارگزاران و مدیران و متولیان امور آن هستند.

ضرورت وجود حاکم و کارگزاران عادل در حکومت اسلامی از مسلمات است که در متون روایی و دینی بر آن پافشاری شده است؛ برای مثال امام *صادق*ﷺ می‌فرمایند:

> اهل هیچ دیاری از سه چیز بی‌نیاز نیستند تا در امور دنیوی و اخروی خود به آن پناه برند و در غیر این صورت به نابسامانی در زندگی گرفتار خواهند شد: فقیه دانای پرهیزگار، فرمانروا و کارگزار نیکوکاری که مردم از وی پیروی کنند و پزشک آگاه مورد اعتماد (ابن‌شعبه حرانی، ١٤٢٣ق، ص٢٣٤).

امام *رضا*ﷺ نیز فرموده‌اند:

> اگر برای مردم، امام، کارگزاری و رهبران توانا، امانتدار، نگهبان و عادل قرار داده نمی‌شد، دین نابود می‌شد و سنت‌ها و احکام الهی تغییر می‌یافت، بدعت‌گذاران بر آن می‌افزودند و ملحدان از آن می‌کاستند و مسلمانان به شبهه دچار می‌شدند (شیخ صدوق، ١٣٧٨، ج٢، ص١٠٨).

استخدام افراد صالح و متعهد در مدیریت نظام اسلامی به‌ویژه در حوزه اقتصاد که به تصریح روایات فقدان تأمین آن مساوق با فقدان اعتقاد و تدین است ـ چنان‌که در روایات آمده «کاد الفقر أن یکون کفراً» (کلینی، ١٤٠٧ق، ج٢، ص٣٠٧) ـ از وظایف حاکمان می‌باشد و مدیریت کارگزاران و مدیران ناصالح، سرانجام به ناکارآمدی نظام می‌انجامد. *علی*ﷺ می‌فرماید: «سزاوار نیست برای حاکمان در سه مورد کوتاهی کنند: حراست از مرزها، رسیدگی به حقوق پایمال‌شده، گزینش افراد دارای صلاحیت برای مسئولیت‌های مختلف» (ابن شعبه حرانی، ١٤٢٣ق، ص٢٣١)؛ از این جهت است که صلاحیت و اهلیت افراد کارگزار باید احراز و سپس تصدی آنها تنفیذ گردد.

کارگزاران حکومت اسلامی برای ایفای نیکوی مسئولیت خود باید ویژگی‌های خاصی را دارا باشند که بعضی مشابه دیگر کارگزاران نظام‌های کارآمد است و بعضی ویژه نظام اسلامی به دلیل ماهیت خاص آن است. از مجموع ادله معتبر در نظام فکری متفکران اسلامی می‌توان گفت کارگزاران حکومت اسلامی باید ویژگی‌هایی را به‌تفصیل و به صورت دقیق دارا باشند که آنها را ثبوتاً و اثباتاً می‌توان زیر سه عنوان کلی اهلیت تخصصی، اهلیت تعهدی و اهلیت اخلاقی جای داد.



www.SID.ir

Archive of SID

اهلیت تخصصی به معنای داشتن مجموعه تخصص‌های لازم برای انجام وظایف محوله است؛ اهلیت تعهدی به معنای برخورداری از ویژگی‌های خاص اعتقادی و اخلاقی برای شناخت صحیح جایگاه نظام اسلامی و عدم خیانت در امور مسلمانان است. نبود این دو اهلیت یا یکی از آنها مساوق با عدم احراز صلاحیت فرد برای تصدی سمت‌های کارگزاری حکومت اسلامی است؛ اهلیت اخلاقی، همانند روحیه ایثار و فداکاری، اهلیتی است که نبود آن کاشف از عدم صلاحیت نیست و وجود آن حُسن احراز است. در ادامه به شمردن استقرایی این ویژگی‌ها از میان ادله می‌پردازیم:

## اهلیت تخصصی

در چندین آیه از قرآن کریم ویژگی یک کارگزار مطلوب آمده است: *جبرئیل* به صفت ذی‌قوه‌بودن ستوده شده است (تکویر: ۲۰). حضرت *یوسف*ﷺ پس از نجات از زندان برای آنکه توانایی خود بر نگهداری خزانه‌های سرزمین مصر را نشان دهد به علم خود اشاره می‌کند (یوسف: ۵۵) که این مهم در واقع کارگزاری در حیطه اقتصاد است. دختر حضرت *شعیب*ﷺ برای ترغیب پدر به استیجار حضرت *موسی*ﷺ برای شبانی به دو ویژگی یک کارگزار مناسب یعنی برخورداری از قوت و قدرت و امانت‌داری اشاره می‌کند (قصص: ۲۶). استیجار نوعی کارگزاری اقتصادی خُرد است که به طریق اولی مناط آن در کارگزاری کلان اقتصادی در حکومت اسلامی نیز باید وجود داشته باشد. در داستان حضرت *سلیمان* و ملکه سبأ هم به ویژگی قدرت‌داشتن کارگزار اشاره شده است (نمل: ۳۹). لفظ قوی به اطلاق مستفاد از این آیات شریفه، مطلق قدرت برای تصدی را شامل می‌شود و از این جهت است که علاوه بر قدرت جسمانی، قدرت علمی را نیز باید برای کارگزاران اقتصادی در نظر گرفت.

## اهلیت تعهدی

خداوند، *جبرئیل* کارگزار وحی را علاوه بر ذی‌قوه‌بودن به امین‌بودن نیز ستوده است (تکویر: ۲۱). در استخدام حضرت *موسی*ﷺ (قصص: ۲۶) و در آوردن تخت ملکه سبأ توسط عفریتی از جن (نمل: ۳۹) نیز صفت قوی با صفت امین قرین شده است. آیات مزبور نشان‌دهنده این نکته مهم هستند که زمانی که فردی برای یک شغل خُرد لازم است



www.SID.ir

Archive of SID

مسئولیت‌پذیر بوده و متعهد به انجام احسن آن باشد، این ویژگی در کارگزاران نظام به‌ویژه کارگزاران اقتصادی به طریق اولی ضرورت دارد. پیامبرﷺ می‌فرماید: «آگاه باشید همه شما در برابر تعهدات خود نگهبان و مسئولید؛ پس حاکم و کارگزار در مقابل مسئولیتی که بر عهده دارد در برابر مردم متعهد است» (دیلمی، ۱٤۰۹ق، ج۱، ص۱۸٤). به عبارتی اگر مردم را دارای نقش در انتخاب حاکم و به تبع کارگزاران آن بدانیم، شاید بتوان نوعی تعهد یا عقد ارتکازی بین شهروندان حکومت اسلامی و کارگزاران آن قائل بود که مسئولیت‌پذیری از جمله شروط ضمن آن است و به تبع وفای به آن لازم و تخلف از آن ممنوع و این تخلف مصداق ظلم است که به حکم عقل و شرع ممنوع است.

از دیگر ویژگی‌های مورد تأکید در روایات که به نوعی به همان صلاحیت و اهلیت باز می‌گردد، عدالت‌محوری است. با دقت در کلام امامانﷺ این موضوع آشکار می‌شود که در بیشتر موارد، وصف عدالت برای امام و کارگزاران به کار رفته است. پیامبرﷺ می‌فرمایند: «یک لحظه امام و کارگزار عادل از عبادت هفتاد سال برتر است» (کلینی، ۱٤۰۷ق، ج۷، ص۱۷۵).

از دیگر ویژگی‌های مورد نیاز یک کارگزار اسلامی برخورداری از روحیه ساده‌زیستی و تخلق به چهار صفت ورع، اجتهاد، عفت و سداد است که حضرت امیرالمؤمنینﷺ در نامه به *عثمان‌بن‌حنیف* (امام علی‌بن‌ابی طالب، ۱۳۹۰، ن٤۵) آنها را متذکر شده‌اند که با این ویژگی‌ها کارگزار تلاش می‌کند رفتار خود را به امام خود نزدیک کند. «ورع» یعنی صبر در برابر ارتکاب محرمات، «اجتهاد» یعنی تلاش و کوشش در راه انجام وظیفه، «عفت» یعنی خودداری از گناهان که مربوط به شهوات است ـ از جمله «عفت مالی» یعنی ثروت و مال کارگزار اسلامی از راه حلال بوده و شبهه‌ناک نباشد و «عفت مقامی» یعنی به دنبال پُست و مقام یا حفظ آن نباشد؛ مگر آنکه وظیفه وی اقتضاء کند ـ و «سداد» یعنی پایداری و استقامت در صداقت و درستکاری بسان یک سد.

### اهلیت اخلاقی

یکی از ویژگی‌های پیامبران به عنوان کارگزاران الهی در زمین، آراستگی آنان به اخلاق حمیده از جمله بزرگواری است. خداوند متعالﷻ حضرت *موسی*ﷺ را رسولی کریم



www.SID.ir

Archive of SID

معرفی می‌کند (دخان: ۳۹) و *جبرئیل* را نیز بدین صفت می‌ستاید (تکویر: ۱۹). رسول اکرمﷺ دارای خُلقی عظیم در امر رسالت بودند (قلم: ٤) که در غیر این صورت و در صورت خشن و سنگدل‌بودن، مردم از گِرد وی پراکنده می‌شدند (آل عمران: ۱۵۹).

از دیگر مصادیق اهلیت اخلاقی برای کارگزاران حکومت اسلامی به‌ویژه کارگزاران اقتصادی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– خیرخواهی برای شهروندان حکومت اسلامی: حضرت *علی*ؑ خیرخواهی را یکی از حقوق مردم بر حاکم می‌داند (امام علی‌بن‌ابی طالب، ۱۳۹۰، خ٣٤).

– حسن معاشرت و مهربانی با مردم: امام *سجاد*ؑ می‌فرماید: «حاکم و کارگزاران اسلامی باید همانند پدری مهربان برای مردم باشد» (شیخ صدوق، [بی‌تا]، ج۲، ص٦٢١).

– بخشندگی: چنان‌که *علی*ؑ می‌فرمایند: «برترین حاکمان و کارگزاران کسانی‌اند که سه ویژگی به آنها داده شده: مهربانی، بخشش و عدالت» (ابن شعبه حرانی، ١٤٢٣ق، ص۲۳۱).

– ساده‌زیستی کارگزاران: که موجب آرامش و اعتماد امت اسلامی به کارگزاران و رهبران است (امام علی‌بن‌ابی طالب، ۱۳۹۰، ن٤٥).

دلیل دیگر بر سه نوع اهلیت پیش‌گفته بنای عقلا در استخدام کارگزار است. سیره، سلوک و بنای عقلا از جمله دلایلی معتبر است که فقیهان امامیه در صورت عدم ردع و زجر معصوم، آن را مستند استکشاف احکام شرعی می‌دانند. در موضوع پیش رو نیز سه نوع از اهلیت مورد ادعای ما با اندک تأملی در بنای عقلا قابل درک است. با مطالعه سیره درمی‌یابیم که در آن نه‌تنها منعی از این بنای عقلا نشده، بلکه مؤیدات بسیاری نیز قابل ذکر در سیره متشرعه و شارع است. بنای مورد ادعا نیز بدین‌صورت است که در صورت انتفاء قدر مسلم اهلیت تعهدی و تخصصی، کارگزار را قهراً منعزل به شمار می‌آورند.

در آخر شاید بتوان این صفات را ویژگی عمومی کارگزاران حکومت‌ها و به طریق اولی حکومت دینی دانست و باید توجه داشت که این مناط در کارگزاران اقتصادی که اموال امت اسلامی به دست آنهاست و اتفاقاً مشهور علمای اصول احتیاط را حتی در فرض شک در این موارد شرط می‌دانند، اقوی است.



www.SID.ir

Archive of SID

## وظیفه مهم پایش کارگزاران حکومت اسلامی

پایش ویژگی‌های مزبور بر عهده حکومت است و به مجرد آنکه کارگزار اهلیت لازم را از دست داد، قهراً منعزل می‌شود؛ چراکه به قول اصولیون «اذ انتفی الوصف ینتفی الموصوف»؛ بنابراین حکومت اسلامی باید همواره بر کارگزاران خود نظارت کند تا در صورت نبود اهلیت، ایشان را با شایسته‌تر از آنها جایگزین کند. حضرت *علی*ﷺ در نامه به *مالک اشتر*ﷺ به وی دستور می‌دهند که پس از دقت در انتخاب کارگزارانی که دارای صلاحیت، اهل تجربه و باحیا هستند، از مال بی‌نیازشان کند تا در مالی که در اختیارشان است، خیانت نکنند، آن‌گاه بر ایشان جاسوسانی راستگو و وفادار بگمارد و «اگر یکی از آنان دست به خیانت گشود و جاسوسان به اتفاق آن را گزارش کردند، برای اثبات آن جرم کافی است و نیازی به شاهد دیگر نیست؛ او را تنبیه بدنی کن و آنچه را به دست آورده از او بگیر و به ذلت و خواری درآور» (همان، ص۶۸۷-۶۸۹).

## جمع‌بندی

از دید نظریه انتخاب عمومی (Public Choice Theory) به عنوان یکی از نظریات مطرح در حوزه اقتصاد سیاسی و سیاستگذاری، کارگزاران سیاسی نیز همچون عوامل اقتصادی به دنبال حداکثرسازی منافع خود و حزب متبوع خود هستند و از سیاستگذاری برای کسب رأی و پیروزی در انتخابات بهره می‌برند (رهبر و امیری، ۱۳۹۳، ص۱۵۷)؛ ولی مطالعه منابع اسلامی نشان می‌دهد که اسلام وجود کارگزاران امین و متعهد را نه‌تنها منتفی نمی‌داند، بلکه تلاش برای یافتن و به‌کارگیری آنان را لازم می‌شمارد. در این زمینه توجه به دو نکته لازم است: اولاً چیستی قدرت و امانت مذکور در قرآن بر حسب ماهیت کارگزاری متفاوت است؛ بنابراین مثلاً کارگزاری اقتصاد، تخصص و تعهد اقتصادی می‌طلبد؛ ثانیاً هرچه شغل کارگزار و جایگاه وی حساس‌تر باشد، برخورداری از آن ویژگی باید بیشتر باشد؛ چنان‌که برای مثال رئیس کل بانک مرکزی در مجموع باید سرآمد کلیه کارگزاران این نهاد اقتصادی در تخصص و تعهد باشد.



www.SID.ir

Archive of SID

## بانک مرکزی اسلامی؛ مقایسه وضعیت ایدئال با وضعیت موجود

در این بخش وضعیت قاعده در برابر صلاحدید در ICB نخست با فروض ایدئال و سپس در وضعیت کنونی نظام بانکی کشور شرح داده شده و نتایج آن بیان می‌شود:

### ۱. ICB با فروض ایدئال

مطالعه حکومت پنج‌ساله امیرالمؤمنین ﷺ و تاریخ چهار دهه‌ای استقرار جمهوری اسلامی نشان‌دهنده سه رویه مرتبط با بحث حاضر در گماشتن کارگزاران اسلامی است که البته رویه سوم مربوط به جمهوری اسلامی است چرا که در دوران کوتاه حکومت امیرالمؤمنین ﷺ فاقد موضوعیت بوده است:

۱. انتخاب شایسته‌ترین فرد برای منصب مورد نظر طبق قاعده عقلایی «الاحسن فالاحسن» یعنی برخورداری از اهلیت‌های سه‌گانه تخصصی، تعهدی و اخلاقی.

۲. ابلاغ وظایف و اهدافی که حکومت اسلامی در آن حوزه باید بدان دست یابد به کارگزار مذکور. این کار در صدر اسلام نیز سابقه دارد؛ چنان‌که حضرت امیرالمؤمنین ﷺ *مالک اشتر* ﷺ را با منشوری حکومتی به سوی مصر رهسپار کردند. مطالعه سابقه انتصابات حکومتی در جمهوری اسلامی نیز نشان‌دهنده وجود چنین رویه‌ای می‌باشد؛ برای نمونه می‌توان به رویه نصب فرماندهان سپاه، ارتش، رئیس صدا و سیما و تولیت آستان قدس رضوی اشاره کرد.

۳. پرهیز از برکناری زودهنگام کارگزار و حمایت از وی در دوران تصدی مقام خود تا وی بتواند برای افق‌های طولانی‌تری برنامه‌ریزی کرده و شاهد به بارنشستن بخشی از آنها در دوران اشتغال خود باشد. البته درصورتی‌که کارگزار در طول زمان دست به خیانت گشاید، برکنار خواهد شد.

این سه رویه (قاعده) را می‌توان بخشی از قاعده‌مندی ولایت فقیه (حاکم اسلامی) در انتصابات دانست که در بخش پیش رو از نتایج آنها استفاده می‌شود.

همچنان‌که گفته شد، سه نوع سیاست پولی صلاحدیدی وجود دارد: دلبخواهی، نزدیک‌بینانه و بهینه‌یابی مجدد؛ سیاست‌های دلبخواهی عمدتاً ناشی از سلطه مالی است و سیاست‌های تک‌دوره‌ای ناشی از حزبی عمل‌کردن بانک مرکزی وقت و رؤسای آن بوده و



www.SID.ir

Archive of SID

چرخه‌های تجاری سیاسی را ایجاد می‌کند؛ در این بخش نخست نشان می‌دهیم که در ICB با فروض ایدئال، این دو مشکل یا امکان وقوعی ندارند یا وقوع احتمالی آنها پایین است.

**ادوار تجاری سیاسی:** طبق اهلیت تعهدی، حاکم اسلامی برای خود کارگزارانی انتخاب می‌کند که حاضر نیستند برای رسیدن به منافع مادی و دنیوی خود یا حزب خود، پُست و مقام را طعمه خود قرار دهند؛ به علاوه با گماردن جاسوسانی بر آنان بر کار آنها نظارت کرده و به مجرد مشاهده سوء استفاده از قدرت توسط ایشان، برکنارشان می‌سازد.

**سلطه مالی:** عمده‌ترین نتیجه سلطه مالی، پولی‌کردن کسری بودجه یا به بیان دیگر اجرای سیاست انبساطی پولی برای جبران بخشی از کسری بودجه دولت است. صرف‌نظر از زمان تنگناهای مالی که ممکن است این امر را اجتناب‌ناپذیر سازد، در حالت عادی که دولت‌ها گزینه‌های دیگری برای تأمین مخارج خود دارند، به هیچ‌وجه مالیات تورمی یک گزینه مطلوب نیست؛ چراکه حفظ ارزش پول یک میثاق نانوشته بین مردم و مقام پولی است (ر.ک به: توسلی، ۱۳۸۳ و فراهانی‌فرد و بایزیدی، ۱۳۹۳، ص۸۹)؛ بنابراین سلطه مالی احتمال وقوع اندکی دارد.

با کنار رفتن دو سیاست صلاحدیدی نامطلوب دلبخواهی و نزدیک‌بینانه نوبت به مقایسه دو سیاست IR و RM در حالت ICB با فروض ایدئال می‌رسد. برای این منظور، ابعاد مقایسه‌شده این دو سیاست که در بخش «ارزیابی و مقایسه سیاست‌ها» توسعه داده شد را مورد استفاده قرار می‌دهیم.

الف) تابع هدف (ترجیحات) بین زمانی بانک مرکزی: حاکم اسلامی پس از مشورت با متخصصان حوزه پول و بانک، این هدف را تعیین کرده و به کارگزار خود در بانک مرکزی ابلاغ می‌کند؛ بنابراین با عوض‌شدن کارگزار، اهداف دچار تغییر نشده و IR از این ناحیه آسیب نخواهد دید.

ب) متغیرهای سیاستی و ابزاری در دسترس بانک مرکزی: در هر دو روش یکسان است.

ج) تعمیق دانش اقتصادی: بر خلاف روش RM که تنها از دانش موجود در دوره بهینه‌یابی استفاده می‌کند، روش IR به دلیل بهینه‌یابی در هر دوره، امکان استفاده از دانش جدید را خواهد داشت.



www.SID.ir

Archive of SID

د) شوک‌های پیش‌بینی‌نشده: همان‌گونه‌که گفته شد در این مورد روش IR بر روش RM دارای برتری آشکاری است.

ه) تغییر در اطلاعات از وضعیت آینده اقتصاد: در صورت عدم تغییر تابع هدف در طول زمان، روش IR روش برتر خواهد بود.

و) تعهد ضمنی یا صریح به تعقیب مسیر سیاستی استخراج‌شده: این موردی است که می‌تواند نقطه ضعف IR تلقی شود؛ چراکه هر تغییر مسیر سیاستی را می‌توان به نتیجه بهینه‌یابی مجدد الگو نسبت داد؛ درحالی‌که ممکن است ناشی از هر تغییر دیگری در سیاست‌ها مثلاً تغییر تابع هدف بانک مرکزی باشد. با فروض ایدئال چنین اتفاقی امکان وقوع اندکی دارد؛ چراکه فریبکاری در اسلام جایی ندارد.

ز) وضعیت ناسازگاری زمانی در روش RM: همچنان‌که در قسمت «ارزیابی و مقایسه سیاست‌ها» گفته شد، در زمان‌های عادی اختلاف زیادی میان سیاست‌های این دو روش وجود ندارد و در زمان‌های عدم اطمینان، سیاست‌های RM پیچیده بوده و برای عوامل عادی اقتصادی چندان قابل استفاده نیستند؛ ولی عوامل عقلایی با وجود عدم تصریح سیاست‌های IR قادر به پیش‌بینی آنها هستند.

نتیجه آنکه در حالت با فروض ایدئال، سیاست‌های IR به سیاست‌های RM ترجیح دارد؛ چراکه از نقاط مثبت RM برخوردار است و در عین حال فاقد نقاط ضعف آن است.

## ۲. وضعیت موجود

آنچه در قسمت پیش گفته شد مربوط به وضعیت ایدئال بود؛ پرسشی در اینجا پیش می‌آید: این شرایط تا چه اندازه بر وضعیت کنونی کشور قابل تطبیق است؟ با دو دسته شواهد نظری و تجربی می‌توان اثبات نمود که وضعیت موجود از وضعیت ایدئال فاصله دارد. باید دید آیا این فاصله به اندازه‌ای است که نتوان اعمال سیاست‌های پولی صلاحدیدی را به بانک مرکزی سپرد یا خیر؟ نخست به لحاظ نظری وجود یک فاصله قابل ملاحظه را تبیین کرده و سپس شواهد تجربی وجود فاصله بیان می‌شود.



www.SID.ir

Archive of SID

## الف) شواهد نظری

برای پرهیز از اطاله سخن، تحلیل خود را به رئیس کل بانک مرکزی به عنوان اصلی‌ترین مقام پولی محدود می‌کنیم. بر پایه قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ با آخرین اصلاحات سال ۱۳۹٤ (www.cbi.ir/simplelist/2236.aspx)، رئیس کل بانک مرکزی باید در یکی از رشته‌های اقتصادی، پولی و مالی دارای مدرک دکتری بوده و دارای هفت سال تجربه در سطوح سیاستگذاری و مدیریتی در حوزه‌های اقتصادی، پولی و مالی و یا پنج سال تجربه مدیریتی در حوزه‌های تخصصی بانک مرکزی ـ مدیرکل به بالا ـ باشد. این ویژگی‌ها را می‌توان اهلیت تخصصی این مقام دانست. نکته بسیار مهم، بی‌توجهی قانون به لزوم متخصص‌بودن این مقام در فقه اسلامی است؛ چراکه وی سروکار بسیاری با عقود اسلامی دارد. درحالی‌که اسلام کاسبان خُرد را به آگاهی از احکام تجارت فرا می‌خواند تا به دام محرمات شرعی همانند ربا، تدلیس، غش، غرر، غرور و ... نیفتند؛ برای نمونه حضرت امیرالمؤمنین﵇ در بازار کوفه حرکت می‌کردند و چنین می‌فرمودند: «... یا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ وَ اللَّهِ لَلرِّبَا فِی هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَی مِنْ دَبِیبِ النَّمْلِ عَلَی الصَّفَا ...» (کلینی، ١٤٠٧ق، ج۵، ص۱۵۰)؛ این ویژگی به طریق اولی برای چنین مقامی که کارگزار کلان و ارشد امور تجاری اقتصادی کشور است، اولویت دارد؛ چراکه بر فرض نبود ادله لفظی به اجماع عالمان اصول فقه مقتضای احتیاط در اموال نیز این مهم را تأیید می‌نماید.

در مورد اهلیت تعهدی این مقام به مواردی همچون برخورداری از حُسن شهرت و نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری و تخلفات مالی گسترده اشاره شده است که گرچه لازم است، ولی کافی نیست. همچنین بهتر بود به برخورداری از عدالت نیز تصریح می‌شد؛ ولی مشکل اساسی در فرایند نصب وی است که به صورت غیر مستقیم منصوب رئیس جمهور است؛ زیرا نصب ایشان به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و بعد از تصویب هیئت دولت، به عنوان تیم مدیریتی رئیس جمهور و با تأیید و حکم رئیس جمهور انجام می‌شود؛ به‌ویژه آنکه رئیس جمهور جدید در ابتدای دوره ریاست خود می‌تواند رئیس کل بانک مرکزی را که بیش از یک سال از دوره تصدی وی باقی مانده باشد، تغییر دهد. این موارد اولاً، احتمال ناسازگاری زمانی سیاست‌ها را افزایش می‌دهد؛ چه‌آنکه با تغییر رئیس



www.SID.ir

Archive of SID

جمهور و پیرو آن رئیس کل بانک مرکزی، احتمالاً سیاست‌های اقتصادی و پولی دولت نیز تغییر خواهد کرد؛ ثانیاً، ازآنجاکه رؤسای جمهور دارای گرایشات حزبی هستند، احتمال سیاستگذاری‌های پولی به نفع دولت وقت و به ضرر شهروندان وجود دارد.

## ب) شواهد تجربی

مطالعات تجربی مختلفی در مورد پدیده‌هایی همچون ناسازگاری زمانی در اقتصاد ایران، درجه استقلال بانک مرکزی از دولت، تسلط بخش مالی اقتصاد کشور بر بخش پولی آن و وجود ادوار تجاری سیاسی در کشور انجام شده است.

۱. **ناسازگاری زمانی:** طبق برخی مطالعات این پدیده در اقتصاد ایران وجود دارد؛ برای نمونه *خلیلی عراقی* و *گودرزی فراهانی* (۱۳۹٤) با استفاده از داده‌های ۱۳۵۰–۱۳۸۹ نشان می‌دهند مشکل ناسازگاری زمانی برای سیاست‌های صلاحدیدی مقامات پولی درباره رابطه بین تورم و بیکاری وجود دارد. همچنین *باستانی‌فر* (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در طول دوره ۱۳۵۸–۱۳۸۸ (پایان برنامه چهارم توسعه) به دلیل سیاست‌های مصلحت‌گرایانه مالی دچار پدیده ناسازگاری زمانی بوده است.

۲. **چرخه سیاسی تجاری:** پژوهش‌های اندک موجود در این زمینه وجود این پدیده را در اقتصاد ایران نشان می‌دهد. *پورکاظمی* و همکاران (۱۳۸٦) بر اساس داده‌های سالیانه دوره ۱۳٦۸–۱۳۸٤ نشان می‌دهند که دولت‌ها ـ که هر چهار سال یک‌بار انتخاب می‌شوند ـ در راستای کنترل نرخ بیکاری در دو سال نخست سیاست‌های انبساطی اتخاذ می‌کنند که در نتیجه این سیاست، نرخ تورم افزایش می‌یابد؛ ولی برای انتخاب مجدد در دوره بعد، در دو ساله دوم تلاش می‌کنند نرخ تورم را کاهش دهند. در مطالعه‌ای دیگر، *کمیجانی* و همکاران (۱۳۹۳) به نقش بی‌ثباتی سیاسی در نوسانات و سیکل‌های تجاری ایران می‌پردازند. نتایج به‌دست‌آمده گویای آن است که متغیر بی‌ثباتی سیاسی در سال‌های ابتدایی تقریباً چهل درصد تغییرات را به خود اختصاص می‌دهد؛ ولی به مرور این سهم کاهش یافته و به حدود ۲٦ درصد می‌رسد.



www.SID.ir

Archive of SID

۳. **سلطه مالی:** *اصغرپور* و همکاران (۱۳۹٤) با آزمون فرضیه سلطه مالی در اقتصاد ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی سالانه طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۱ نشان می‌دهند که فرضیه سلطه مالی در اقتصاد ایران طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی حاکم بوده و دولت همواره به منظور تأمین مالی کسری بودجه از بانک مرکزی استقراض کرده و این امر سرانجام موجب انبساط پولی در اقتصاد شده است.

آنچه در بخش قبل گفته شد ثابت می‌کند که به دلیل مسائل متعدد نظری بانک مرکزی که شواهد تجربی نیز آنها را تأیید می‌کند، استفاده از سیاست‌های صلاحدیدی همچنان‌که تاکنون مرسوم بوده است، دارای مشکلات ناسازگاری زمانی، سلطه مالی و استفاده حزبی از قدرت است؛ درحالی‌که با فروض ایدئال فاقد آنهاست؛ بنابراین با وجود آنکه حکم اولی، جواز استفاده از سیاست‌های صلاحدیدی در قالب بهینه‌یابی مجدد است؛ ولی در شرایط فعلی کشور که این فروض برقرار نبوده بلکه عکس آنها صادق است، حکم اولی به مصلحت نیست؛ چراکه به سمت دو نوع سیاست صلاحدیدی کاملاً دلبخواهی و کوتاه‌مدت (تک‌دوره‌ای) انحراف پیدا می‌کند؛ بنابراین طبق قاعده مصلحت، لازم است حاکم اسلامی، بانکداری مرکزی را به استفاده از قاعده در برابر صلاحدید ملزم کند.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بانک مرکزی اسلامی امانتی است در دست مقام پولی که حق استفاده از آن برای مقاصد سیاسی و حزبی را ندارد و باید به قول و عهد بین‌الاذهانی و متفاهم خود با مردم پایبند باشد. به علاوه ازآنجاکه پول از مهم‌ترین مصادیق مال است و کسی حق بَخس (کاهش ارزش) آن را ندارد؛ پولی‌کردن کسری بودجه، مگر در حالت مصلحت جامعه مسلمانان، امکان وقوعی ندارد. این موارد ثابت می‌کند که بانک مرکزی اسلامی ایدئال دچار مشکلاتی مانند ناسازگاری زمانی، ادوار تجاری سیاسی و سلطه مالی نیست و مقام پولی همواره مصالح مسلمانان را در سیاستگذاری‌ها در نظر می‌گیرد و نه مزیت حزب و گروه خود را و بنابراین از مزیت انعطاف‌پذیری در سیاستگذاری صلاحدیدی نیز برخوردار است؛ در نتیجه



www.SID.ir

Archive of SID

حکم اولی در سیاستگذاری پولی بانک مرکزی اسلامی ایدئال، استفاده از صلاحدید به شکل بهینه‌یابی مجدد (بین زمانی) و نه دلبخواهی و تک‌دوره‌ای است.

با این وجود شرایط کنونی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارای فاصله قابل توجهی از وضعیت ایدئال است؛ چه‌آنکه طبق قانون پولی و بانکی کنونی، مقام پولی دارای اهلیت تخصصی کافی نیست؛ زیرا با وجود نیاز به دارابودن تخصص فقهی، این مهم در قانون پیش‌بینی نشده است؛ از سوی دیگر در اهلیت تعهدی نیز شرط بسیار مهم عدالت، که منشأ اهتمام ویژه به اموال شهروندان و تلاش برای عدم اضرار بدان است، مورد توجه جدی قرار نگرفته است. فرایند نصب رئیس کل بانک مرکزی نیز امکان وجود شائبه سیاسی را نفی نمی‌کند؛ چراکه وی غیر مستقیم توسط رئیس جمهوری و مستقیماً توسط هیئت دولت انتخاب می‌شود و معمولاً نیز دست رئیس جمهور برای تغییر وی باز است. در شرایط فعلی که در انتخاب رئیس جمهور عنصر مقبولیت مردمی بیشتر از عنصر مشروعیت بروز و ظهور دارد، نمی‌توان وی را کارگزار ایدئال حاکم اسلامی دانست. شواهد تجربی نیز نشان‌دهنده وجود هر سه پدیده نامطلوب یعنی ناسازگاری زمانی، ادوار تجاری سیاسی و سلطه مالی در اقتصاد ایران است. تجمیع این شواهد نشان می‌دهد که مصلحت جامعه اسلامی اقتضا می‌کند حکم اولی تا زمانی که مصلحت به قوت خود باقی است، کنار گذاشته شده و طبق حکم حکومتی عمل شود؛ یعنی بانک مرکزی ملزم به تبعیت از قواعد مناسب پولی شود.

## منابع و مآخذ


۱. ابن شعبه حرانی؛ **تحف العقول عن آل الرسول**؛ بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱٤۲۳ق.

۲. اصغرپور، حسین، بهزاد سلمانی و کامران نیکی اسکویی؛ «تحلیل تجربی سلطه مالی در اقتصاد ایران: رویکرد خودتوضیح برداری ساختاری»؛ **دوفصلنامه سیاستگذاری اقتصادی**، س۷، ش۱۳، ۱۳۹٤.

۳. امام علی‌بن‌ابی طالب؛ **نهج البلاغه**؛ ترجمه علی شیروانی؛ قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰.




www.SID.ir

Archive of SID


٤. باستانی‌فر، ایمان؛ «تحلیل قواعد سیاست پولی در علم اقتصاد و ارائه معیارهای قاعده پیشنهادی ایدئال سیاست پولی»؛ **پایان‌نامه دکتری**، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۱.

٥. _____؛ «آزمون ناسازگاری زمانی در اقتصاد ایران»؛ **فصلنامه تحقیقات اقتصادی**، س٤٩، ش٤، ۱۳۹۳.

٦. بهزاد وکیل‌آباد، فرج؛ «حکم حکومتی و مبانی استنباط آن»؛ **فصلنامه آموزه‌های فقه مدنی**، ش۲، ۱۳۸۸.

۷. بوستانی، رضا؛ «سیاستگذاری پولی بهینه در اقتصاد ایران»؛ **مجله پژوهش‌های پولی ـ بانکی**، س٤، ش۱۲، ۱۳۹۱.

۸. بهمن، محمد و وحید تقی‌نژاد عمران؛ «قاعده گسترش‌یافته تیلور: مطالعه موردی ایران ۱۳۵۷-۱۳۸٦»؛ **فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی**، ش۹، ۱۳۹۱.

۹. پورکاظمی، محمدحسین، باقر درویشی و محمدنبی شهیکی‌تاش؛ «سیکل‌های تجاری سیاسی (مطالعه موردی ایران)»؛ **فصلنامه اقتصاد مقداری**، ش٤، ۱۳۸٦.

۱۰. توسلی، محمداسماعیل؛ «محدودیت‌ها و مسئولیت‌های دولت اسلامی در پولی‌کردن کسر بودجه»؛ **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ش۱٤، ۱۳۸۳.

۱۱. تولائی، علی، مسعود راعی و محبوبه شاهمرادی؛ «واکاوی ماهیت حکم حکومتی و فتوا»؛ **فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی**، س٤۷، ش۱، ۱۳۹۳.

۱۲. حسینی، سیدعلی؛ «سیر تطور مصلحت در فقه شیعه (۱)»؛ **فصلنامه پژوهشنامه حکمت و فلسفه**، ش۱، ۱۳۸۱.

۱۳. خلیلی عراقی، منصور و یزدان گودرزی فراهانی؛ «آیا مشکل ناسازگاری زمانی در اقتصاد ایران وجود دارد؟»؛ **فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد کلان**، ش۱۹، ۱۳۹٤.

۱٤. خورسندی، مرتضی و کریم اسلاملوییان؛ «سیاست پولی قاعده‌مند یا صلاحدیدی؟ تحلیلی نظری در انتخاب راهبرد مناسب»، **فصلنامه راهبرد اقتصادی**، ش۱، ۱۳۹۱.

۱٥. دیلمی، حسن‌بن‌محمد؛ **ارشاد القلوب**؛ قم: شریف الرضی، ۱٤۰۹ق.

۱٦. رشتی، حبیب‌الله؛ **کتاب القضاء و الشهادات**؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱٤۰۱ق.

۱۷. رهبر، فرهاد و میثم امیری؛ «اقتصاد رفتاری و سیاستگذاری عمومی»؛ **مجله برنامه‌ریزی و بودجه**، ش۱۲۷، ۱۳۹۳.




www.SID.ir

Archive of SID

۱۸. ساعدی، جعفر؛ «تبعیت احکام از مصالح و مفاسد»؛ **فقه اهل‌بیت**، ش۲۹، ۱۳۸۱.
۱۹. سلیمانی موحد، مریم، زهرا افشاری و مهدی پدرام؛ «سیاست پولی بهینه در یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی با رویکرد اسلامی»؛ **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، ش۷٦، ۱۳۹٤.
۲۰. شاهمرادی، اصغر و مهدی صارم؛ «سیاست پولی بهینه و هدف‌گذاری تورم در ایران»؛ **فصلنامه تحقیقات اقتصادی**، ش۱۰۳، ۱۳۹۲.
۲۱. شریعتی، روح‌الله؛ **قواعد فقه سیاسی**؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۲. شیخ صدوق؛ **عیون اخبار الرضا**؛ قم: انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۸.
۲۳. _____؛ **من لا یحضره الفقیه**؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲٤. صدر، سیدمحمدباقر؛ **دروس فی علم الاصول**؛ انتشارات دارالفکر، ۱٤۱۲ق.
۲۵. صرامی، سیف‌الله؛ «احکام حکومتی و مصلحت»؛ **فصلنامه راهبرد**، ش٤، ۱۳۷۳.
۲٦. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ **فرازهایی از اسلام**؛ به کوشش سیدمهدی آیت‌اللهی، قم: انتشارات جهان‌آرا، [بی‌تا].
۲۷. _____؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
۲۸. عرفانی، علیرضا و اسماعیل شمسیان؛ «کاربرد قاعده تیلور در اقتصاد ایران و تأثیرپذیری سیاست‌ها از بازار مسکن، املاک و مستغلات»؛ **فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری**، س۵، ش۱۸، ۱۳۹۵.
۲۹. علوی، محمود و بهرام ایرانپور انارکی؛ «ماهیت احکام حکومتی»؛ **فصلنامه حکومت اسلامی**، ش٦۵، ۱۳۹۱.
۳۰. فراهانی‌فرد، سعید و رحمن بایزیدی؛ «تحلیل مقایسه‌ای مبانی نظری استقلال بانک مرکزی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی»؛ **تحقیقات مالی اسلامی**، ش۷، ۱۳۹۳.
۳۱. کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ **الکافی**؛ چ٤، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱٤۰۷ق.



www.SID.ir

Archive of SID

۳۲. کمیجانی، اکبر، اسدالله فرزین‌وش و سیدضیاءالدین کیاءالحسینی؛ «قاعده سیاست پولی مطلوب در محیط بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه **اقتصاد اسلامی**، ش۵۰، ۱۳۹۲.

۳۳. کمیجانی، اکبر، ابراهیم گرجی و علیرضا اقبالی؛ «برآورد مدل جدیدی از سیکل‌های تجاری سیاسی: مورد مطالعه ایران»؛ **پژوهشنامه بازرگانی**، ش۷۱، ۱۳۹۳.

۳٤. ملک‌افضلی اردکانی، محسن و عباس سلیمانی؛ «نقش و جایگاه ولی فقیه در انتخاب و انتصاب کارگزاران نظام اسلامی در فقه سیاسی و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»؛ **فصلنامه حکومت اسلامی**، ش۷٤، ۱۳۹٤.

۳۵. منکیو، گریگوری؛ **نظریه اقتصاد کلان**؛ ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳.

36. Drazen, Allen; "The political business cycle after 25 years"; In **NBER Macroeconomics Annual 2000**, ed. B. Bernanke and K. Rogoff. Cambridge, MA: MIT Press, 2001.
37. Friedman, Milton; "Monetary Policy: Theory and Practice: A Reply"; **Journal of Money, Credit and Banking**, Blackwell Publishing, vol. 14, 1982.
38. Handa, Jagdish; **Monetary Economics**; 2nd Edition, London: Routledge, 2009.
39. Hibbs, Douglas A.; "Political parties and Macroeconomic policy"; **The American political science review**, 71 (4), 1467-1487, 1977.
40. Kydland, Finn E., Prescott, C. Edward; "Rules Rather than Discretion, The Inconsistency of Optimal Plans"; **Political Economy**, 85 (3), 473-92, 1977.
41. Nordhaus, William D.; "The Political Business Cycle"; **The review of economic studies**, 42 (2), 169-190, 1975.



www.SID.ir

Archive of SID

42. Rutherford, Donald; **Routledge Dictionary of Economics**; 2nd Edition, London: Routledge, 2002.
43. Taylor & John B. and Williams, John C.; "Simple and Robust Rules for Monetary Policy"; in: Benjamin M. Friedman & Michael Woodford (ed.), **Handbook of Monetary Economics**, Elsevier, edition 1, volume 3, number 3, 2010.



www.SID.ir

Archive of SID

# القاعدة أو حرية التصرف فى المصرفية المركزية (دراسة حالة لإيران)

وحید مقدم [*] احسان علی‌اکبری [**]
ایمان باستانی‌فر [***] محمد واعظ [****]



## الخلاصة

القاعدة أمام حرية التصرف موضوع مفتاحی فی دراسات السیاسات النقدیة. وهناک دراسات کثیرة تقترح للسلطات النقدیة أن تقوم باستخدام إحداهما أو کلاهما معا. والمصرفیة المرکزیة الإسلامیة أیضا لاتخرج عن هذه القاعدة و«هل المصرف المرکزی الإسلامی لبناء السیاسة النقدیة المثالیة یجب أن تستخدم القاعدة أو حریة التصرف» سئوال یحتاج الی التحقیق. ووفقا للتعریف حریة التصرف تنقسم إلی ثلاثة أنواع: الحریة تماما والمتقربة والاستمثال (Optimization) من جدید یقع عندما لانرید الأول والثانی، ولکن للثالث إیجابیات یمکن دراستها أمام القاعدة.

هذه المقالة بالطریقة التحلیلیة – الوصفیة تظهر بأن إطار حکومة إسلامیة بالفروض المثالیة، مع أنه للاستمثال من جدید، إیجابیات کثیرة ولیست لها سلبیاتها ولکن نظرا إلی میزات مؤسسیة للمصرف المرکزی – الذی لایختار من قبل ولی الفقیه ولایشرف علیه من جانبه – ونظرا إلی الشواهد التجریبیة القائمة وعدم التوافق الزمنی فی المراحل التجاریة السیاسیة والسیادة المالیة فی الاقتصاد الإیرانی، لمصالح البلاد، استخدام القاعدة النقدیة وعدم اختیار حریة التصرف کحکم ثانوی أفضل.

**الکلمات الأساسیة:** *المصرفیة المرکزیة الإسلامیة، المصرفیة المرکزیة فی إیران، القاعدة أمام حریة التصرف، قاعدة المصلحة.*

تصنیف مجلة الأدبیات الاقتصادیة (JEL): E58.

---

*. أستاذ مساعد فی کلیة أهل البیت بجامعة إصفهان. Email: v.moghadam@ahl.ui.ac.ir.
**. أستاذ مساعد فی کلیة أهل البیت بجامعة إصفهان. Email: 22aliakbari@gmail.com.
***. أستاذ مساعد فی قسم الإقتصاد بجامعة إصفهان. Email: i.bastanifar@ase.ui.ac.ir.
****. أستاذ مشارک فی قسم الإقتصاد بجامعة إصفهان. Email: mo.vaez130@yahoo.com.

www.SID.ir